

پژوهشنامه حکمت اهل بیت (علیهم السلام)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان
سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۳)، تابستان ۱۳۹۳، ص ۷۵-۹۴
اعلام وصول: ۱۳۹۲/۸/۱۴، پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۷

ساختارشناسی زیارات مآثور اهل بیت علیهم السلام

طلعت حسنی بافرانی* فاطمه تقوی**

چکیده

اتصال و ارتباط با اهل بیت (ع) ضرورتی انسانی و الهی و راهگشای دستیابی به کمال و سعادت در دنیا و آخرت است. یکی از راه‌های این اتصال و ارتباط، از ناحیه زیارت محقق می‌شود؛ زیارت رمز حضور و شهادت عینی ائمه (ع) بر حیات جامعه اسلامی است و موجب تذکر و تعهد زائر، به حضور این بزرگواران در همه شؤون جامعه اسلامی می‌شود. «زیارتنامه‌های مآثور»، متنی که هنگام زیارت معصومان، به عنوان تشریف باطنی خطاب به آنان خوانده می‌شود و امامان صادر کرده‌اند، تعلیم دهنده کیفیت برقراری ارتباط و ابراز ارادت و محبت و مودت زائر به ایشان هستند؛ در عین حال، گنجینه‌ای از تعالیم عمیق معرفتی و اخلاقی معصومان (ع) را در اختیار انسان قرار می‌دهند. زیارتنامه‌های مآثور در واقع متون آموزشی هستند که روح کلی و ساختار واحدی دارند و ائمه اطهار (ع) در آنها، مباحثی از اصول دین همچون توحید و صفات الهی، نبوت و پیامبر شناسی و نیز امامت و رهبری مطرح کرده‌اند. در کنار اصول دین، مباحثی از فروع دین همچون جهاد، تولی و تبری و نیز امر به معروف و نهی از منکر و همچنین تعالیم اخلاقی مانند صبر، تقوا، وفای به عهد و سایر ارزش‌های اخلاقی را مطرح کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی

زیارت، محتوا، زیارتنامه، اهل بیت علیهم السلام، زیارت مآثوره.

* استادیار، گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه قم، ایران (نویسنده مسئول). t.hasani16@gmail.com

** پژوهشگر تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه قم، ایران. hamta-t@yahoo.com

مقدمه

خداوند آموزه‌های دین و دستورالعمل‌های زندگی دینی را از طریق قرآن و مفسران و معلمان آن، یعنی وجود مبارک اهل بیت (ع)، در اختیار بشر قرار داده است تا انسان با تمسک به آن‌ها و عمل به دستوراتشان، در مسیر هدایت گام بردارد. اهل بیت (ع) همواره در تبیین مبانی اسلام و تفسیر آیات الهی کوشیده‌اند و در طول حیات پرثمر خویش، از هیچ تلاشی برای تعلیم معارف اسلام دریغ نکرده‌اند؛ از این رو، ایجاد پیوند با پیشوایان معصوم و بهره‌گیری از تعالیم و معارف ایشان، راهگشای دستیابی به کمال و سعادت در دنیا و آخرت است؛ ضمن اینکه دریچه‌ای جدید برای فهم آموزه‌های قرآن و به کارگیری آن در زندگی، به روی انسان می‌گشاید. یکی از راه‌های تماس و ارتباط وثیق با اهل بیت (ع) زیارت ایشان و یکی از منابع ارزشمند برای بهره‌مندی از تعالیم ایشان، متون زیارتنامه‌هایی است که خود ایشان صادر کرده‌اند.

زیارتنامه‌ها به لحاظ محتوای جامع و در عین حال، لحن ساده و روانی که در خطاب با ائمه (ع) و گفتگو با این ذوات مقدسه دارند، دایره فهم عام‌تری را شامل می‌شوند؛ پس هر انسانی که در مقام زیارت اهل بیت (ع) قرار گیرد و با متون زیارتنامه‌های ایشان همراه شود، به طور قطع از معارف بلند ایشان، متناسب با ظرفیت درونی خود، بهره‌ای نصیب می‌شود. زیارتنامه‌های مأثور منابع گوهر باری از تعالیم معصومان (ع) هستند که تاکنون آنچنان که باید، به آن‌ها توجه نشده است؛ بر این اساس، شناخت ساختار زیارتنامه‌ها و تحلیل محتوای آن‌ها، گام مؤثری برای فهم و بهره‌مندی از معارف اهل بیت (ع) است. هدف از انجام این پژوهش، دستیابی به ساختار کلی حاکم بر زیارتنامه‌ها و تحلیل محتوای آن‌هاست؛ همچنین یافتن پاسخ برای پرسش‌هایی همچون: چستی زیارت و اهداف مترتب بر آن؟ نقش زیارت در تبیین آموزه‌های قرآنی؟ دستیابی به جایگاه زیارتنامه‌ها، در میان سایر تعالیم و آموزه‌های دینی و

سؤالاتی از این دست تا از این طریق، اهدافی که ائمه (ع) از بیان این متون داشته‌اند، آشکار شده و بهره‌مندی از تعالیم ایشان میسر شود. در این زمینه، کتب و مقالاتی در باب تبیین فلسفه زیارت نگاشته شده است؛ همچون «فلسفه زیارت» احمد عابدی، «فلسفه زیارات و آیین آن» واعظ جوادی؛ همچنین بررسی محتوای زیارتنامه‌ها مانند «فرهنگ زیارت» جواد محدثی، «فرهنگ و آداب و زیارات» سیدرضا باقریان موحد؛ به علاوه، شرح برخی از زیارتنامه‌های معروف همچون زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا و زیارت امین‌الله که در راستای این پژوهش نیز، از آن‌ها استفاده شده است. برای دستیابی به ساختار کلی زیارتنامه‌ها، نگارنده به بررسی ویژگی‌های لحنی و محتوای عامی که در غالب زیارتنامه‌های معصومان مطرح است، پرداخته است. ضمن اینکه در این نوشتار، از بیان جزئیات و ویژگی‌های خاص هر یک از زیارتنامه‌ها پرهیز شده است؛ چرا که پرداختن به ویژگی‌های خاص هر یک از زیارات، خود نیازمند پژوهشی جداگانه و درخور شأن است.

اهمیت زیارت از دیدگاه آیات و روایات

تدبیر در آیات قرآن کریم و روایات، بیانگر این حقیقت است که دستیابی به سعادت حقیقی و راه وصول به حق، جز در سایه تمسک به قرآن و اهل بیت (ع) محقق نمی‌شود. در قرآن کریم، آیات فراوانی وجود دارد که بر لزوم همراهی و اطاعت اهل بیت (ع) تأکید کرده است؛ از جمله از آیات سوره مبارکه رعد دریافت می‌شود که ارتباط و اتصال به ائمه، میثاق و پیمان رسالت و امامت است:

«أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ ﴿۱۰۱﴾ الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ ﴿۱۰۲﴾ وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿۱۰۳﴾ وَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَيْتَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿۱۰۴﴾ ...

و همان چیزی است که در عالم ذر از مردم پیمان گرفت که آن ولایت امیرالمؤمنین و امامان پس از اوست که درود خداوند بر آنان باد و این همان بخش از سخن خداوند در آیه است که فرمود: «الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ»؛ سپس از دشمنانشان ذکر کرده و فرمود: «وَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» درباره امیرالمؤمنین (ع) است و او همان کسی است که خداوند در عالم درباره او میثاق گرفته است و رسول الله (ص) نیز در غدیر خم از آنان میثاق گرفته است؛ سپس فرمود: بر ایشان لعنت است و برایشان بد عاقبتی است» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۲۴۶).

این روایت ضمن آنکه به روشنی، گستره مفهوم آیه را تبیین می‌کند، لزوم چنگ زدن به دامن اهل بیت (ع) را نیز برای هرچه بیشتر آشنا شدن با اعماق قرآن نشان می‌دهد. یکی از پژوهشگران معاصر معتقد است: خداوند در قرآن کریم راه پیوند و قرب به اولیای الهی را از سه طریق توصیه فرموده‌اند. اول: بیان جایگاه والای آنان در نظام تکوینی و عالم تشریح و نیز برشماری اوصاف و کمالات شایسته و خصایص زنده و کامل و مؤثر آن‌ها، در نظام بشری. دوم: کمالات انسانی و الهی است؛ سوم: آیاتی مستقل و روشن در راستای همراهی و مصاحبت و بلکه مسئولیت، در مقابل اهل بیت (ع) که با عادات مختلف این معنا را تذکر می‌دهد (جوادی، ۱۳۹۱: ۵۷). علاوه بر آیات قرآن، در کتب معتبر روایی، روایات فراوانی در باب فضیلت زیارت معصومان (ع) و ثواب و آثار آن نقل شده است که در دسته‌بندی کلی، می‌توان آن‌ها را در دو گروه جای داد: روایاتی که به بیان اهمیت زیارت پرداخته و روایاتی که ضرورت زیارت اهل بیت (ع) را بیان کرده است. دسته اول از این روایات، با بیان پاداش زیارات و توجه اهل بیت (ع) به زائرانشان، بر اهمیت زیارت ایشان تأکید می‌کنند؛ مانند روایتی که در آن نبی اکرم (ص) خطاب به امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «ای علی! هر کس که مرا در زمان حیات یا پس از

وَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَفْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (رعد، ۱۹ تا ۲۲) «پس، آیا کسی که می‌داند آنچه از جانب پروردگارت به تو نازل شده، حقیقت دارد، مانند کسی است که کور دل است؟ تنها خردمنداند که عبرت می‌گیرند. *همانان که به پیمان خدا وفادارند و عهد [او] را نمی‌شکنند. *و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می‌پیوندند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب بیم دارند. *و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم، نهان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی جواب دادند، ایشان راست فرجام خوش سرای باقی» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳).

در این آیات، ابتدا به عهد و میثاق الهی اشاره شده است. عهدی که در معنای وسیع آن، هم عهدهای فطری و پیمان‌هایی را که خدا به مقتضای فطرت از انسان گرفته است، شامل می‌شود و هم پیمان‌های عقلی که انسان با تفکر و اندیشه از حقایق عالم هستی و مبدأ و معاد درک می‌کند؛ همچنین در بر گیرنده پیمان‌های شرعی است؛ یعنی آنچه پیامبر (ص) از مؤمنان، در رابطه با اطاعت فرمان‌های خداوند و ترک معصیت و گناه پیمان گرفته است (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۸۴)؛ اما در معنای خاص آن، عهدی است که بندگان به زبان فطرت خود، با پروردگار خود بستند که او را یگانه بدانند و بر اساس توحید و یکتایی او عمل کنند و آثار توحید خود را نشان دهند (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۴۶۸). امام کاظم (ع) در تفسیر این آیه فرموده‌اند: «پیوندی که بدان امر شده است، پیوند با آل محمد است...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۷)؛ همچنین در روایتی کامل از ابی الحسن آمده است که: «همانا خویشاوندی و قرابت آل محمد (ع) به عرش خدا آویزان است می‌گوید: خدایا هر که مرا گرمی بدارد او را گرمی بدار و هر که از من دوری جوید او را از رحمت دور کن و همانا این آیه درباره آل محمد (ع) نازل شده است

امامان او شفیعیان او در روز قیامت خواهند بود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۶۷).

این قسم روایات علاوه بر بیان اهمیت زیارت، از ضرورت آن و عهدی سخن می‌گویند که بر گردن تمامی شیعیان و پیروان ائمه معصوم(ع) گذارده شده است، تا با زیارت قبور آنان، وفای به آن عهد را به اتمام برسانند. از توجه به مجموعه آیات و روایاتی که در این خصوص مطرح شد، این نتیجه حاصل می‌شود که اصل اتصال و ارتباط با اهل بیت(ع) ضرورتی انسانی و الهی و راهگشای دستیابی به کمال و سعادت در دنیا و آخرت است. از این رو، باید راه‌ها و شیوه‌های این ارتباط را شناخت و به آن عمل کرد. از آنجا که دین مجموعه‌ای کامل و به هم پیوسته است یکی از راه‌های تماس و ارتباط وثیق را از ناحیه زیارت معرفی می‌کند. زیارت در حیات و ممات و حضور در مشاهد شریفه معصومان(ع)، در واقع رفتار عملی در تأکید این حقیقت است که وجود مبارک ائمه(ع) همواره زنده است و ایشان در همه شؤون جامعه اسلامی حضور داشته و در صحنه‌اند. در حقیقت زیارت رمز حضور و شهادت عینی این بزرگواران، بر حیات جامعه اسلامی است و موجب تذکر و تعهد زائر به حضور این بزرگواران می‌شود. حال که اهمیت و ضرورت زیارت دانسته شد، باید به نحوه زیارت و کیفیت زیارت مطلوب نیز توجه شود. متنی که امامان به عنوان «زیارتنامه» صادر کرده‌اند، تعلیم دهنده کیفیت برقراری ارتباط و شیوه رعایت ادب کلام، در برخورد با معصومان است و به همین علت، باید به آن توجه کرده و بررسی کرد. زیارتنامه‌های مأثور منابع عظیم معارفی هستند که علاوه بر تعلیم راه و رسم گفتگو و ارتباط، در کمال ادب و خضوع و درخور مقام اهل بیت و بیان ابراز ارادت و محبت و مودت زائر به ایشان هستند و گنجینه‌ای از تعالیم عمیق معرفتی و اخلاقی معصومان را در اختیار انسان قرار می‌دهند.

مرگم زیارت کند یا تو و فرزندان را در زمان حیات یا پس از مرگ زیارت کند، من ضمانت می‌کنم که او را از احوال و شداید روز قیامت نجات دهم تا آنکه او را هم درجه خودم گردانم» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۷۹). این گونه روایات و روایات دیگر قریب به این مضمون، با بیان این حقیقت که تفاوتی میان زیارت اهل بیت(ع) در حال حیات و پس از موتشان نیست، رهایی از شداید قیامت و همراهی و معیت پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) را به عنوان پاداش زیارت ایشان بیان می‌کند. در روایتی دیگر، وقتی عبدالرحمان بن مسلم از امام کاظم(ع) درباره با فضیلت‌ترین زیارت پرسید و اینکه آیا زیارت امیرمؤمنان(ع) افضل است یا فلانی و فلانی و از هریک از ائمه(ع) یک‌به‌یک نام برد، حضرتش فرمود: «کسی که اولین ما را زیارت کند، آخرین ما را زیارت کرده است و هر که آخرین ما را زیارت کند، اولین ما را زیارت کرده است و هر کسی حاجتی از یکی از دوستان ما را برآورده کند، گویی حاجت همه ما را برآورده ساخته است...» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۳۶). این روایت و روایات مشابه آن نیز، علاوه بر بیان فضیلت و پاداش زیارت اهل بیت(ع)، بر این حقیقت تأکید می‌کنند که زیارت هریک از این بزرگواران، در امتداد زیارت حضرت رسول(ص) و به مثابه زیارت الله است و به طور قطع، اهداف و نتایج گرانمایی دارد. دسته دوم روایاتی هستند که بر لزوم زیارت و ضرورت انجام آن تأکید می‌کنند؛ زیرا زیارت را نوعی وفای به عهد و ادای امانت ولایت مزور می‌دانند. مهم‌ترین روایت از این گروه، حدیثی است که از حضرت علی بن موسی الرضا(ع) نقل شده است: «هر امام را عهدی بر گردن دوستان و شیعیانش هست و از جمله وفای کامل به عهد و نیکو ادا نمودن آن، زیارت کردن قبرهای ایشان است؛ پس هر که ایشان را برای رغبت در زیارت ایشان و تصدیق کردن به آنچه ترغیب نموده‌اند زیارت کند

محتوای کلی زیارتنامه‌ها

آنچه در مضمون زیارتنامه‌ها آمده، بسیار گسترده است و مفاهیم عمیق و جامعی را در بر می‌گیرد. ائمه اطهار (ع) با توجه و عنایت کامل، در قالب متن زیارتی، درصدد بیان «معارف اسلام» بوده‌اند. ایشان بسیاری از آنچه جزء عقاید صحیح اسلامی است، یا جز ارزش‌های والای مکتبی یا فضایل برجسته ائمه دین (ع) به شمار می‌رود، یا حقایق مسلم تاریخی درباره اهل بیت پیامبر و ماجرای زندگی ایشان در رابطه با حق را بیان کرده‌اند؛ همچنین آنچه جزء تکالیف شیعه و وظایف قلبی و زبانی و عملی آنان در برابر اولیای دین و حجت‌های خداست، برشمرده‌اند (محدثی، ۱۳۸۶: ۲۸۵). محتوای کلی غالب زیارتنامه‌ها را می‌توان در دو عنوان خلاصه کرد:

سلام و لعن

معمولاً بخش آغازین زیارتنامه‌ها با سلام آغاز می‌شود، سلام و تحیت به معنی سلامت و پاکی از هر گونه آفت و عیب است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۸۹). به علت همین معنا، یکی از اسامی خداوند نیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۱). در قرآن کریم نیز، خداوند به برخی از پیامبران و بندگان شایسته سلام گفته است: «وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ» (نمل، ۵۹). «سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» «سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» «وَسَلَامٌ عَلَىٰ الْمُرْسَلِينَ» (صافات، ۷۹ و ۱۰۹ و ۱۸۱). سلام شعار اسلام و نشان ویژه امت محمدی است. همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب، ۵۶) «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید؛ چون خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، مؤمنان هم موظف و مأمورند که بر آن حضرت صلوات و سلام بفرستند. بر

اساس همین آموزه قرآنی، در زیارتنامه‌ها نیز سلام بر فرشتگان مقرب پروردگار، سلام بر انبیای بزرگ الهی، سلام بر ملائکه موکل از سوی خداوند بر مشاهد شریفه، سلام بر آدم و نوح و ابراهیم و رسولان دیگر داده می‌شود. زائر گاهی سلام خویش را نثار امام و حجت پروردگار می‌کند «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ» (پیام امام هادی: ۱۳۸۶: ۴۳) و گاهی هم سلام خدا و رسول و اولیا و فرشتگان را به عنوان تحیت، تقدیم می‌کند «سَلَامٌ لِلَّهِ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ فِيمَا تَرَوْحُ وَتَغْتَدِي بِهِ الرَّائِحَاتُ الطَّاهِرَاتُ الطَّيِّبَاتُ لَكَ وَعَلَيْكَ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۳۱۰) و ضمن این سلام‌ها، امام به اوصافش خطاب می‌شود و مقامی که خدای تعالی به وی عطا کرده و فضایی که واجد آن است یا نسبتی که با رسول اکرم (ص) و سایر انبیاء و اولیاء دارد، ذکر می‌شود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوْرَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَسَلَاةَ الْوَصِيِّينَ، وَالشَّهِيدَ يَوْمَ الدِّينِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۴۳). «سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام بر تو ای پیشوای مؤمنین و وارث علم پیامبران و شهید روز جزا». این سلام زائر، علاوه بر اعتقاد به وجود پیوند و ربط میان «خدا و انبیا و اوصیا و فرشتگان» اعلام ارتباط بین مسلمان زائر با این جهان ملکوت و بیان همبستگی عملی با این جریان حق تاریخی و اسوه‌یابی و الگوگیری از آنان است؛ ضمن آنکه نشانه همبستگی او با پیشوای خویش و نوعی اعلام موضع است (محدثی ۱۳۷۶: ۲۹۰).

متن زیارتنامه‌ها، در کنار سلام و تحیت بر رسولان و فرشتگان و برگزیدگان خداوند، لعن و نفرین و ابراز دوری جستن از دشمنان آنان را نیز در خود جای داده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ) لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ

شَرِكٍ فِي دَمِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ بَرِيٌّ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۳۱۶).

«سلام بر تو ای ابا عبدالله، درود و رحمت خداوند بر تو باد، خداوند لعنت کند آن کسی را که تو را کشت و هر آن کس را که در ریختن خون تو شریک شد و لعنت خداوند بر کسی که آن را ابلاغ کرد و به آن راضی شد. من از اینان به سوی خداوند بیزاری می‌جویم».

«لَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَالَفَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ وَعَصَبَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَايَعَ عَلَى قَتْلِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، إِنَّا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بُرَاءٌ.» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

«لَعَنَ اللَّهُ (عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ)، مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، (مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ)، وَأَثْرًا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۴۵). در لغت، لعن به معنی طرد و دور کردن از روی غضب است؛ لعنت خدا نسبت به مردم، در آخرت به معنی عقوبت است و در دنیا، به معنای بریدگی یک انسان از پذیرش رحمت و توفیق الهی. و لعنت انسان نسبت به دیگری، به مفهوم نفرین و دعا به زیان اوست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۴۱). این لعن و نفرین مقدس که در زیارتنامه‌ها، از زبان زائر بیان می‌شود، هم اعلام برائت و بیزاری زائر از دشمنان اهل‌بیت(ع) و اهل ستم و فساد و طغیان بوده و هم درخواست زائر، برای عذاب آنان و دوری از رحمت خداوند است. در زیارت، نفس حضور در مشاهد شریفه اولیای دین و امامان معصوم(ع) خود، بیانگر مواضع زائر به وجود مبارک اهل‌بیت(ع) است. خواندن زیارتنامه‌هایی که از خود ایشان صادر شده و عمل به مفاهیم آن نیز نشانی بر تأیید مواضع ایشان است. این اعلام مواضع در متون زیارتنامه‌ها، گاهی در قالب سلام‌ها و لعن‌ها و در برخی، با بیان گواهی و شهادت دیده می‌شود و گاه با تعبیر و شعارهای دیگری مطرح می‌شود. در سلام‌های زیارتنامه‌ها ضمن معرفی اهل‌بیت(ع)، به جایگاه و مقام ایشان نیز

اعتراف کرده و موضع خود را به رسالت و امامت ایشان اعلام می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَى أئِمَّةِ الْهُدَى، وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التُّقَى، وَ ذَوِي النُّهَى، وَ أَوْلَى الْحِجَا، وَ كَهْفِ الْوَرَى، وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَ الدَّعْوَةِ الْحُسْنَى، وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأَوْلَى، وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ؛ (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۸).

گاه با لعن بر دشمنانشان، موضع خود را به آن‌ها بیان می‌کنیم: «اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، وَ سَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ الْعَنِ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ ضَاعِفِ عَلَيْهِمُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ، اللَّهُمَّ الْعَنِ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ قَتْلَةَ أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ أَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ، وَ أَذْفُهُمْ بَأْسَكَ، وَ ضَاعِفِ عَلَيْهِمُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ وَ الْعَنْهُمْ لَعْنًا وَبَيْلًا» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۲۸۳).

در برخی از فرازهای زیارتنامه‌ها، با صراحت شهادت می‌دهیم و موضع خود را بیان می‌کنیم: «وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ، الْمَهْدِيُّونَ، الْمَعْصُومُونَ، الْمُكْرَمُونَ، الْمُقَرَّبُونَ، الْمُتَّقُونَ، الصَّادِقُونَ، الْمُصْطَفَوْنَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ...» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۴). «گواهی می‌دهم که شما پیشوایان راهبر راه یافته معصومان، گرامیان و مقربان (خداوند)، پرهیزکاران، راستگویان، برگزیدگان، فرمان برداران خدا و قیام کنندگان به فرمانش و انجام دهندگان خواسته‌اش و آنان که به مقام کرامت او رسیدند و...».

گاه با شعارها و بیان‌های دیگر، موضع خود را اعلام می‌کنیم: «عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الرَّزْلِ، وَ أَمَنَكُمُ مِنَ الْفِتَنِ، وَ طَهَّرَكُمُ مِنَ الدَّنَسِ، وَ أَذْهَبَ عَنْكُمُ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ طَهَّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۵). «خداوند شما را از لغزش نگه داشت و شما را از فتنه‌ها و آزمایش‌ها ایمن داشت و پاکتان کرد و از

پلیدی‌ها دور کرد و به خوبی پاکیزه‌تان کرد.»

دعا و طلب خیر

بخش دیگری از محتوای زیارت‌ها، دعا و درخواست از خداوند است؛ این دعاها را می‌توان به دو قسم تقسیم کرد: یک قسم آن خدا خواهی و خواستن حوائج اخروی و نیک فرجامی و سعادت است و قسم دیگر آن، طلب حوائج دنیا و رفع گرفتاری‌هاست؛ در قسم اول با شفیع قراردادن اهل بیت (ع)، مغفرت و بخشش گناهان، عاقبت به خیری، روسفیدی در آخرت و معرفت به اهل بیت (ع) و هم نشینی با اولیاء الله را از خداوند متعال درخواست می‌کنیم و حاجات خود را به واسطه ائمه، با خداوند در میان می‌گذاریم؛ مانند این بخش از زیارت «أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاكُمْ، الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَنْ يَرْزُقَنِي شَفَاعَتِكُمْ، وَ لَا يُفَرِّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ، وَ لَا يَسْلُبَنِي حُبُّكُمْ وَ حُبَّ آبَائِكُمُ الصَّالِحِينَ، وَ أَنْ يَحْشُرَنِي مَعَكُمْ، وَ يَجْمَعَ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ فِي جَنَّتِهِ، بِرَحْمَتِهِ وَ فَضْلِهِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۲۱۲). «از خدا، پروردگار خود و شما، درخواست می‌کنم که بهره مرا از زیارت شما دو بزرگواری درود بر محمد و آل محمد قرار دهد و شفاعت شما را روزی من کند و بین من و شما جدایی نیندازد و دوستی شما و دوستی پدران صالحتان را از من نگیرد و مرا با شما محشور کند و به رحمت و فضلش مرا در جمع شما قرار دهد». در قسم دوم از دعاها، از خداوند سعه صدر، علم و ایمان، مودت اهل بیت (ع)، رفع گرفتاری‌ها، وسعت رزق، آبرو در دنیا، در امان ماندن از شر دشمنان و قرار گرفتن در صف یاران و پیروان اهل بیت (ع) را درخواست می‌کنیم؛ برای نمونه در زیارت ائمه عسکریین (ع) از خداوند قبولی زیارت، استفاده شایسته از نعمت‌ها، توسعه روزی حلال و همراهی و طاعت محمد و آل محمد (ص) را مسألت می‌نماییم:

«اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنِّي... وَ اسْتَعْمِلْنِي صَالِحاً فِيمَا آتَيْتَنِي... وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ أَعِنِّي عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ أَوْلِيَائِكَ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۲۱۳).

اهداف کلی زیارت

با توجه به محتوای کلی زیارات، می‌توان دو هدف کلی را برای زیارت تعریف کرد:

۱. تقرب به خداوند و زیارت الله: همان طور که در ناحیه مبدأ و فاعل، تنها یک مبدأ حقیقی و مستقل وجود دارد و همه افعال و مبادی دیگر، به اذن و اراده او فاعل‌اند، در ناحیه غایت و هدف نیز تنها یک هدف و مقصد اصیل، برای همه هستی وجود دارد و همه به سوی او در حرکت هستند. اگر این دو نگرش به هستی نباشد و جهان در مبدأ و مقصد چند قطبی باشد، فساد و ضلالت دامنگیر هستی خواهد شد؛ چون انسان و جهان از این تیرگی و تباهی مصون است؛ بنابراین یک مبدأ و یک مقصد، برای جهان هستی وجود دارد و آن همان است که قرآن کریم درباره‌اش می‌گوید: «هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» «اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست» (حدید، ۳)؛ بنابراین، مقوله زیارت نیز از این قانون عام مستثنی نیست و هدف غایی زیارت، توجه و تقرب به خداوند و ساحت الوهی و به بیان دیگر، زیارت الله است. در واقع، زیارت یک سفر کامل‌الیه است که از وادی ولایت عبور می‌کند و مراد از هدف بودن خداوند در زیارت و تقرب به حضرت حق، تخلق به اخلاق الهی و تحصیل کمالات ربوبی است (جوادی، ۱۳۹۱: ۷۵). این حقیقت و مبنای معرفتی، در عموم زیارتنامه‌های معصومان نیز ذکر شده است که خطاب به ایشان عرض می‌کنیم: «أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ» «با محبت به شما اهل بیت (ع) و بیزارگی جستن از دشمنان شما به سوی خدا تقرب می‌جویم». یا به‌طور خاص، در زیارت امام

تعالیم کلی شامل موضوعات زیر می‌شود:

امام شناسی

از مهم‌ترین و ضروری‌ترین مبانی نظام اعتقادی، امام شناسی و شناخت چهره حقیقی امام و خصایص و فضایل پنهان و آشکار اوست. بعد از توحید و رسالت، اولین حقیقتی که انسان در حیات انسانی خود، بدان نیازمند بوده، امامت است. بدون وجود امام و شناخت او، تمامی حرکت‌ها در ضلال و تباهی است؛ از این رو در دعای معروف زمان غیبت عرضه می‌داریم که: «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۷) خدایا حجت را به من شناسان، از دین خود گمراه می‌شوم.

بر اساس روایات نیز، انسان نا آشنا به مقام امامت و شخص امام، در جهالت از دنیا می‌رود؛ رسول خدا (ص) فرمودند: «هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۸). بر این اساس، زنده‌ترین و مؤثرترین راه برای شناخت و ایجاد ارتباط با امام، زیارت است و در مکتب زیارت، متون ارزشمند زیارتنامه‌های مأثور خود، صحیفه امام شناسی هستند. هر زیارتنامه رشته‌ای علمی و کتابی است که معارف وجودی و خصایص و فضایل امام، جایگاه والای ایشان، حقوق ایشان بر امت و راه دوستی و محبت به آن‌ها را تعلیم می‌دهد و لزوم تبعیت از امام را برای رهایی به سعادت و هدایت ضروری می‌داند. این معرفت و شناخت زمانی محقق می‌شود که در کنار اعتراف به فضایل و کمالات امام، به ضلالت و گمراهی دشمنان و مخالفان ایشان و برائت از آن‌ها نیز اقرار کنیم و به جایگاه امامت و ولایت و از ناحیه خدا بودن و الهی بودن امام نیز معتقد و معترف باشیم؛ همچنین، بر حقی که از ناحیه این انتصاب الهی امام بر عهده انسان گذارده شده است، یعنی همان تبعیت و اطاعت از

رضا(ع) می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ؛ خداوندا من با محبت به اهل بیت و ولایت ایشان، به سوی تو تقرب می‌جویم».

دریافتیم که هدف غایی زیارت، قرب پروردگار و زیارت اوست؛ پس باید به این حقیقت نیز واقف باشیم که اهل بیت عصمت و طهارت(ع) مظهر کامل اسما و صفات الهی بوده و همه شئون آنان الهی است؛ به گونه‌ای که اطاعت آن‌ها اطاعت خدا، محبت آن‌ها محبت خدا و بغض و غضب به آن‌ها بغض و غضب به خداوند است؛ از این رو، زیارت این بزرگواران همان زیارت خداست.

چنان‌که در روایتی از اباصلت هروی نقل شده است که از امام رضا(ع) سؤال می‌کند: «منظور از این روایت که اهل حدیث آن را بیان می‌کنند چیست؟ «مؤمنان خدایشان را در بهشت زیارت می‌کنند». امام فرمودند: «ای اباصلت خداوند تبارک و تعالی پیامبرش را بر تمامی خلقش از پیامبران و فرشتگان برتری داد و اطاعت او را اطاعت خود و بیعت او را بیعت با خود و زیارت او را در دنیا و آخرت زیارت خود قرار داد. همان طور که فرمود: «کسی که از پیامبر اطاعت کند، محققاً خدا را اطاعت کرده است». و نیز فرمود: «در حقیقت، کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند دست خدا بالای دست‌های آنان است». و نبی اکرم(ص) نیز در این باره فرمودند: «کسی که مرا در حیات و بعد از وفاتم زیارت کند، به تحقیق خدا را زیارت کرده است». درجه پیامبر در بهشت عالی‌ترین درجات است؛ «پس هرکس از منزلش او را به سوی درجه‌اش در بهشت زیارت کند، به تحقیق خداوند تبارک و تعالی را زیارت کرده است» (حرعاملی: ۱۴۰۹: ۳۲۵).

۲. تعلیم معارف دین و تربیت انسان‌ها: یکی دیگر از اهداف کلی زیارت، تعلیم معارف دینی و تربیت انسان‌ها، از ناحیه اهل بیت(ع) و در سایه زیارت ایشان است. این

شما پناه جویم و شما را زیارت کنم و به قبرهای شما پناه آورم و شما را به درگاه خدای عزوجل شفیع آورم». این گونه عهدها و پیمان‌هایمان را با ائمه معصوم یادآور می‌شویم و آن‌ها را تحکیم می‌کنیم.

دشمن شناسی

دشمن شناسی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی هر انسانی است؛ چرا که اگر دشمن را نشناسد چه بسا، از روی نا آگاهی، در شمار دشمنان و مخالفان قرار گیرد. زیارتنامه‌ها علاوه بر آنکه صحیف امام شناسی هستند، منبع خوبی برای معرفی دشمنان ایشان و شناخت آن‌ها و بیزاری جستن از آن‌هاست. متون زیارتنامه‌ها به طور معمول، به بیان مشخصات و ویژگی‌های دشمنان اهل بیت (ع) پرداخته و ماهیت آنان را آشکار کرده و نتیجه دشمنی و مخالفت با اهل بیت را یادآور شده است «وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالْنَّارُ مَثْوَاهُ، وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فَيَسْتَفْلِ ذَرْكَ مِنَ الْجَحِيمِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۶)؛ «هر کس با شما مخالفت کرد، جایگاهش دوزخ است و هر که منکر شما شد کافر و هر که با شما جنگ کرد مشرک است و هر کس شما را رد کرد در قعر جهنم جای دارد» و مخالفت با اهل بیت را مخالفت با خداوند بیان می‌کند: «... وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ... وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۵).

تولی و تبری

تولی از ماده «ولی»، در لغت به معنای دوست گرفتن، ملازم و همراه چیزی شدن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۱۱) و تبری از ریشه «برأ»، به معنای دوری از هر چیزی که هم‌نشینی با آن ناخوشایند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۲۱) آمده است. در اصطلاح، تولی به معنای اظهار ولایت و محبت و دوستی به اهل بیت (ع) و محبان آن‌ها و تبری به معنی اظهار عداوت و دشمنی و دوری جستن از دشمنان و

آنان، واقف باشیم و به آن عمل کنیم. از این رو، در زیارتنامه‌ها نیز این مفاهیم در کنار هم و با تعبیر مختلف بیان شده است؛ در کنار ایمان به آن‌ها کفر به دشمنان نیز بیان شده است: «أَنْتَ مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَ بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُ وَ كُفْرٌ بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ». در کنار جمله «عارف بحقکم، مَقْرُوفٌ بِفَضْلِكُمْ...» جمله «مُسْتَبِيرٌ بِشَأْنِكُمْ وَ بِضَلَالَةٍ مَنْ خَالَفَكُمْ» و اقرار به برائت از دشمنان «وَ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ» ذکر شده است. اطاعت آنان اطاعت خداوند و نافرمانی از ایشان، نافرمانی خدا بیان شده است «مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ» و هدایت و سعادت در گرو تبعیت از آنان و شقاوت و گمراهی، در نافرمانی از ایشان آمده است: «سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ، وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ... وَ هُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۶).

تجدید عهد و میثاق

امامت و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) از مهم‌ترین عهدها و قراردادهای ناگسستنی الهی است و یکی از اهداف ارزشمند زیارت، تثبیت میثاق و تحکیم عهد رسالت و امامت است. زیارت عرصه مناسبی برای بازشناسی این میثاق‌ها و تجدید و تحکیم آن‌هاست. پیوند میان انسان و حقایق الهی توحید و نبوت و امامت در پناه تعهد و تحکیم این میثاق‌ها شکل می‌گیرد و از لغزش‌ها مصون می‌ماند. زیارت در واقع، بیعت با امام در مسیر تولی و تبری و اطاعت از ایشان و مخالفت با مخالفان است. در زیارت جامعه کبیره عرضه می‌داریم: «أَوْ مِنْ بِيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَائِدٌ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۸) «به بازگشتن ایمان دارم و رجعت شما را تصدیق دارم و چشم به راه فرمان شما و منتظر دولت شمایم، گفتارتان را بگیرم و دستورتان را انجام دهم و به

معادیان آنان است. توکی و تبری دو امر ضروری دین اسلام و از جمله فروع دین و از واجبات الهی شمرده می‌شود. یکی از بارزترین و برجسته‌ترین مشخصه‌های ایمان، توکی و تبری است که حتی در نباتات و حیوانات، به صورت جذب و دفع وجود دارد و در انسان‌ها به صورت حب و بغض یا نفرین و ارادت جلوه می‌کند (جوادی، ۱۳۹۱: ۵۹). در روایات نیز این حب و بغض معیار دینداری شمرده شده است و در روایتی رسول خدا(ص) آن را محکم‌ترین دستگیره ایمان معرفی کرده‌اند: «همانا محکم‌ترین دستگیره ایمان، حب و بغض در راه خدا و دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خداست» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۷).

بدون تردید هیچ یک از توکی و تبری، بدون دیگری کفایت نمی‌کند؛ نه با توکی محض می‌توان به سعادت رسید و نه با تبری تنها می‌توان از شقاوت رهید. همراهی توکی و تبری باهم، برای دستیابی به سعادت، امری لازم و ضروری است؛ زیرا حق و باطل و نور و ظلمت، در یک جا نمی‌گنجد و در یک قلب جای بیش از دو محبت نیست: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ» (احزاب، ۴). کسی که ادعای دوستی و محبت اهل بیت را دارد زمانی می‌تواند در ادعای خود خالص و صادق^۱ باشد که هم زمان بغض و نفرت از دشمنان آنان را نیز در قلب خود پیرواند. این اظهار ولایت و براءت خالصانه است که راه نفوذ هر گونه وسوسه شیطان را در تمایل به جناح دشمن بر انسان می‌بندد و او را از لغزش و سقوط در امان نگه می‌دارد.

در زیارتنامه‌ها نیز این ابراز ارادت و مودت و براءت و بیزارى، فراوان و با بیان‌های مختلف ذکر شده است: «مُوَالٍ لَّكُمْ وَ لِوَالِيَائِكُمْ، مُبْغِضٍ لِّاَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَّهُمْ» «إِنِّي سَلِّمٌ لِّمَنْ سَأَلْتَكُمْ، وَ حَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وَلِيٌّ لِّمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِّمَنْ عَادَاكُمْ» «موالیاً لأولیائک، مُعَادِياً لِاَعْدَائِک». (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۷ و ۳۱۴ و ۳۸۷).

در زیارت جامعه کبیره (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۷) موالات اهل بیت(ع)، دوستی و مودت واجب و مفروض

معرفی شده است: «وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ» و موالات ایشان را سبب کامل شدن کلمه توحید و معارف دین معرفی می‌کند: «بِمُوَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَ بِمُوَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَ عَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَ ائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَ بِمُوَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ؛» «به وسیله دوستی شما خداوند به ما دستورات دینمان را تعلیم داد و آنچه را که از دنیای ما تباها شده بود اصلاح کرد. به محبت شما کلمه (توحید و معارف دین) کامل شده و نعمت بزرگ شده و جدایی و اختلاف مبدل به الفت و اتحاد شد و به وسیله موالات شما طاعت و فرمانبرداری (ما) پذیرفته می‌شود». سر کنار هم آمدن توکی و تبری در زیارتنامه‌ها و تأکید بر براءت جستن از دشمنان و لعن آنان، در این نکته است که توکی خالصانه و بی‌شائبه باشد و شرک در دوستی و محبت به غیر در آن راه نیابد؛ از این رو در زیارت جامعه کبیره عرضه می‌داریم: «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ، لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، أَمَنْتُ بِكُمْ، وَ تَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ، وَ بَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَ مِنْ الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ، وَ الشَّيَاطِينِ وَ حِزْبِهِمْ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۷).

توبه و تطهیر از گناه

ولایت ائمه اطهار(ع) خود طهور و عامل پاکی است و امام در زیارتنامه‌ها، «طاهر» و «مطهر» معرفی شده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۴۳۹). دور ماندن از اهل بیت(ع)، آلودگی‌هایی همچون شک و تردید و نفاق و انکار به دنبال خواهد داشت و همراهی و تبعیت از ایشان، مایه طهارت و پاکی روح و جان انسان است؛ همان گونه که خداوند فرموده است ائمه از هرگونه پلیدی و آلودگی به دور هستند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب، ۳۳). «خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند». زیارت بستر و زمینه حضور در محضر اهل بیت(ع) است و

زمینه بهره‌مندی از شفاعت را ایجاد می‌کند. چنان‌که طبق نظر صاحب مجمع (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰۵)، مقصود از استغفار پیامبر(ص)، در این آیه شریفه، شفاعت برای آنان است. در واقع بازگشت انسان به سمت خدا و توبه و استغفار از گناهان خویش، راه نزدیکی به اهل‌بیت(ع) و بهره‌مندی از شفاعت ایشان در دنیا و آخرت را به روی او می‌گشاید.

شفاعت

شفاعت در لغت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۵۷)، به معنای ضمیمه شدن به دیگری است تا به کمک او آید و درباره او خواهش گری کند؛ زیرا خود به تنهایی، در رسیدن به هدف ناتوان و نیازمند فردی برتر است. شفاعت بیشتر در مفهوم پیوستن به دیگری، به منظور درخواست یاری دیده می‌شود و به طور معمول، انضمام به کسی مد نظر است که از لحاظ حرمت و مقام، برتر از شفاعت شونده است و شفاعت در قیامت، به همین معناست. از طرف دیگر، شفاعت مایه امید نجات و بازگشت به کارهای شایسته و روزنه‌ای، برای ایجاد تغییر در سرنوشت دنیوی و اخروی است؛ چه بسا گناهکارانی که به امید شفاعت به راه راست بازگردند و رابطه خود را با خداوند استحکام بخشند (جوادی، ۱۳۸۱: ۱۰۰). قرآن کریم با بیانات و تعبیرات مختلف، به مقام شفاعت اشاره کرده و آیاتی را در این زمینه مطرح کرده است. این آیات در چند دسته درخور بررسی هستند:

۱. آیاتی که به طور مطلق شفاعت را نفی می‌کند، مانند: «وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ» (بقره، ۴۸) «يَوْمَ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ» (بقره، ۲۵۴).
۲. آیاتی که به طور منحصراً، شفیع را خدا می‌داند، مانند: «مَا لَكُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ» (سجده، ۴) «قُلْ لِّلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا» (زمر، ۴۴).

آشنایی و تثبیت و تحکیم ولایت ایشان، پاکیزگی در سایه این ولایت را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

علاوه بر آن، نگاه عمومی اهل‌بیت(ع) بر این نکته است که گذشته را با توبه و مغفرت و آینده را با شفاعت و همراهی خود روشن و امیدبخش جلوه دهند و از عذاب الهی رهایی بخشند و به بهشت موعود رهنمون شوند؛ از این رو، یکی از اهداف زیارت و حضور در مشاهد شریفه اهل‌بیت(ع)، به دست آوردن حال حضور و توجه در پیشگاه رفیع رسالت و امامت است؛ چون انسان را به خطاهای خود متوجه و معترف می‌کند و در او بارقه امید و مغفرت می‌آفریند (جوادی، ۱۳۹۱: ۱۳۳). خداوند مسلمانان را به زیارت حبیبش، رسول‌الله(ص)، فراخوانده است تا با درخواست استغفار پیامبرش، باران مغفرتش را بر آنها بباراند و آنها را از ظلمت گناه برهاند و به آینده امیدوار سازد؛ از این رو می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» (نساء، ۶۴). «و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می‌یافتند». این آیه شریفه، علاوه بر بیان این نکته که قرآن زیارت رهبران آسمانی و استمداد و توسل از طریق آن عزیزان را تأیید کرده است، با صراحت بیان می‌کند که شفیع قرار دادن پیامبر(ص) در درگاه خداوند و وساطت و استغفار او برای گنهکاران مؤثر است و موجب پذیرش توبه و رحمت الهی است (مکارم، ۱۳۴۷: ۴۵۱). در زیارتنامه حضرت رسول (ص)، پس از بیان این آیه عرضه می‌داریم: «وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي، وَإِنِّي أَتُوجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۸۷) و من آمرزش خواهانه به درگاه پیغمبر آمده و از گناهانم توبه کردم و به وسیله شما، به سوی خدایی که پروردگار من و توسل روی آورده‌ام تا گناهانم را بپامزد». استغفار در پیشگاه خداوند و توبه به درگاه او،

به فرمانبرداری خود قرین کرده که شما بخشش گناهانم را از خدا بخواهید و شفیعان من گردید» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۸).

ساختار شناسی زیارتنامه‌های مأثور

پس از بررسی محتوای زیارتنامه‌ها و اهدافی که زیارت دنبال می‌کند، می‌توان به ساختار کلی درباره محتوای زیارتنامه‌ها دست یافت و آن‌ها را در سه محور: ۱. اصول دین؛ ۲. فروع دین؛ ۳. ارزش‌های اخلاقی جای داد. به بیان دیگر، محتوای زیارتنامه‌هایی که از ناحیه معصومان صادر شده است، در قالب تعلیم و تبیین موضوعاتی در اصول و فروع دین و توصیه به ارزش‌های اخلاقی است که در ادامه، به تبیین هر یک می‌پردازیم.

اصول دین

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین پایه‌های معارف دین، اعتقاد و التزام به اصول دین و فروغیات آن است؛ از این رو، بخش اعظمی از متون زیارتنامه‌ها، به تعلیم و تبیین تثبیت این امور اختصاص داده شده است.

توحید

توحید و اعتقاد به یگانگی خداوند، اصلی‌ترین پایه اعتقادی دین اسلام و رکن اساسی آن است. در زیارتنامه‌ها نیز به این امر مهم، به دو شکل مستقیم و غیر مستقیم پرداخته شده و به آن گواهی داده شده است. شکل مستقیم آن گواهی بر وحدانیت و یگانگی خداوند متعال و بیان جملاتی در تکبیر و تهلیل و تحمید و تسبیح خداوند، در ابتدا یا در ضمن زیارتنامه است؛ چنان‌که بسیاری از زیارتنامه‌ها، با عبارت «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ...» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۸۹) آغاز می‌شود و در زیارت جامعه کبیره، این گونه گواهی داده شده است: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ

۳. آیاتی که شفاعت را مشروط به اذن و فرمان خدا بیان می‌کند، مانند: «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (بقره، ۲۵۵) «وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ» (سبأ، ۴۴).

۴. آیاتی که شرایطی برای شفاعت شونده بیان کرده است، مانند: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى» (انبیاء، ۲۷). در نگاه اول، شاید بتوان گفت که این آیات در تضاد با یکدیگر هستند؛ اما با بررسی بیشتر آیات، این نتیجه حاصل می‌شود که آیات دسته اول مسئله شفاعت را به کلی و از اصل انکار نمی‌کنند؛ بلکه شفاعت مستقل را نفی کرده و آیاتی که آن را اثبات کرده، نخست اصالت آن را برای خداوند اثبات کرده و سپس اثبات شفاعت را برای غیر خدا، به شرط اذن خدا و تملیک او بیان می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۴۷: ۱۵۷).

طبق فرموده قرآن، انبیایی همچون حضرت ابراهیم (ع)^۲، حضرت نوح (ع) و رسول گرامی اسلام (ص)^۳ و ملائکه^۴ و مؤمنان^۵ از شفاعت کنندگان هستند و به اذن خداوند، برای متقین^۶ و مؤمنان^۷ و گناهکاران موحد^۸ نزد خداوند شفاعت می‌کنند؛ از این رو، در عموم زیارتنامه‌ها، از امام مزور که از برترین مؤمنان و شفاعت کنندگان‌اند، درخواست می‌کنیم تا شفیع ما باشند و از خداوند به واسطه شفاعت ایشان، طلب مغفرت و آمرزش می‌کنیم.

در زیارت جامعه کبیره، خطاب به ایشان عرضه می‌داریم: «یا ولیّ الله، إنّ بَیْنی وَبَیْنَ الله عزّوجلّ ذُنُوباً لا یأتی علیها إلا رضاکم؛ فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَکُمْ عَلَی سِرِّهِ، وَ اسْتَرْعَاکُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَ قَرَنَ طَاعَتَکُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِی، وَ کُنْتُمْ شَفَعَائِی؛ ای ولی خدا همانا میان من و خدای عزوجل گناهایی است که جز رضایت شما آن‌ها را محو و پاک نکند؛ پس به حق آن خدایی که شما را امین راز خود کرده و سرپرستی کار خلق خود را به شما واگذارده و فرمانبرداری شما را

هادی، ۱۳۸۶: ۸۹).

و در سایر زیارتنامه‌ها نیز به طور معمول، پس از شهادت به یگانگی خداوند، به نبوت پیامبر (ص) گواهی می‌دهیم:

«وَأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُتَّجِبُ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۴).

و به نبوت سایر انبیاء (ع) نیز گواهی می‌دهیم: «أَشْهَدُ أَنَّهُمْ أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلُكَ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۲۵۱) تا به این حقیقت معترف شویم که ایمان به انبیاء پیشین، از لوازم ایمان به رسول خدا و پیامبر خاتم است. علاوه بر شهادت، در سلام‌های آغازین برخی زیارتنامه‌ها نیز معترف به نبوت پیامبر (ص) شده و عرضه می‌داریم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَرَسُولَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ وَخَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ...» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۹۸). یا ضمن دعا در حق پیامبر (ص) و درخواست درود و رحمت الهی به ایشان، اعتقاد خود به مقام نبوت را بیان می‌کنیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ، وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ، وَنَجِيِّكَ، وَصَفِيِّكَ، وَحَبِيبِكَ، وَنَجِيبِكَ، وَخَلِيلِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، وَ أَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

معاد

معاد یعنی، اعتقاد داشتن به اینکه انسان به سوی خداوند باز می‌گردد و در نزد او حاضر می‌شود و به پاداش اعمال خود می‌رسد. دین اسلام جهان بینی روشنی درباره هستی و آفرینش دارد و با دید ویژه‌ای، به حیات و زندگی انسان می‌نگرد. خداوند در خلقت جهان و انسان، اهداف حکیمانه‌ای داشته و هیچ چیزی را نابجا و خالی از حکمت نیافریده است. معاد و حیات پس از مرگ، اقتضای

لِنَفْسِهِ وَ شَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ أُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۴).

در زیارتی از امام حسین (ع) نیز خداوند را به صفاتش تحمید و تسبیح می‌کنیم: (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۲۵۳) «سُبْحَانَ اللَّهِ فِي عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ حَقُّ لَهُ ذَلِكَ».

باید این نکته را در نظر گرفت که کمال توحید زمانی محقق می‌شود که در کنار شهادت بر یگانگی خداوند، کفر به طاغوت و برائت از هرگونه شریکی برای خداوند نیز مطرح شود. این نکته تعلیمی نیز در زیارتنامه‌ها عنوان شده است؛ چنان‌که در زیارتنامه ائمه بقیع (ع) ضمن اعلام توحید، از هر گونه شریکی برای خدا برائت می‌جویم و عرضه می‌داریم: «آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجَبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى، وَ كُلِّ نِدَاءٍ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۳۸۴).

نبوت

نبوت یعنی، اعتقاد به اینکه خداوند برای رساندن سخن خود به انسان، پیامبرانی را از میان خود آنان برگزیده است. اهل بیت (ع) معترف به مقام نبوت بوده و گواهی به نبوت پیامبر (ص) و انبیاء گذشته را بارها در زیارتنامه‌های خود تکرار کرده‌اند تا برای زائرانشان نیز الگوی عملی باشند. قسمت دیگری از شهادتات و گواهی‌های زیارتنامه‌های معصومان (ع)، به موضوع نبوت و اعتراف به حقانیت رسالت پیامبر (ص) اختصاص دارد؛ چنان‌که در زیارتنامه خود ایشان عرضه می‌داریم: «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ (رِسَالَاتِ رَبِّكَ) وَنَ صَحَّتْ لَأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَ عَبْدَتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، وَ أَدَيْتَ أَلَذَى عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ» (پیام امام

امامت

امامت از دیدگاه شیعه، از اصول عقاید اسلامی است و امام از طریق نص الهی، به جانشینی پیامبر منصوب می‌شود و طبق روایت جابر^۹ از حضرت رسول (ص) مصادیق آن، وجود مبارک چهارده معصوم (ع) است. در زیارتنامه هیک از ائمه بزرگوار، پس از گواهی به توحید و نبوت پیامبر (ص)، در سلام‌های خود، به امامت آن امام معصوم و ائمه پیش از او گواهی می‌دهیم و او را امام بر حق می‌دانیم:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، وَ وَارِثَ عُلُومِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ صَاحِبَ الْمِيسَمِ، وَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۹۷).

در برخی زیارتنامه‌ها نیز، با دعا و درخواست درود و رحمت برای ایشان، به حقانیت امامت ایشان و مقام والایشان معترف می‌شویم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي الْأَئِمَّةِ مِنْ وَوَلَدِهِ، الْقَوَائِمِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ، الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ ارْتَضَيْتَهُمْ أَنْصَاراً لِدِينِكَ، وَ حَفَظْتَهُمْ لِسِرِّكَ، وَ شُهَدَاءَ عَلَي خَلْقِكَ، وَ أَعْلَاماً لِعِبَادِكَ، صَلِّ وَاتَّكَّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

و در برخی دیگر، به صراحت به امامت ائمه (ع) شهادت می‌دهیم؛ همچون زیارت حضرت صاحب الامر (عج) که در آن به طور ویژه، به امامت هریک از ائمه بزرگوار گواهی داده شده و نام هر یک، به صورت مشخص ذکر شده است: «وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ؛ وَ أَنَّ رَجَعْتُمْ حَقَّ لَارِيبَ فِيهَا» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۲۵۹).

هدفمندی جهان خلقت و آفرینش انسان است؛ چرا که اگر معادی در کار نبود حیات دنیا عبث و بیهوده به نظر می‌رسید. همان طور که خداوند در آیه شریفه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَّا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون، ۱۱۵) به این مسئله اشاره کرده و یکی از زنده‌ترین دلایل رستاخیز و حساب و جزای اعمال را این موضوع بیان کرده است. اعتقاد به معاد و اعتراف به حقانیت آن، در زیارتنامه‌های ائمه (ع) نیز مطرح شده است و این بزرگواران در تعالیم خود، به زندگی پس از مرگ و مراحل وقوع آن گواهی داده‌اند.

برای نمونه، در زیارت امام حسین (ع) آمده است: «وَ أَشْهَدُ أَنَّ وَعْدَ رَبِّنَا حَقٌّ، وَ أَنَّ لِقَاءَهُ حَقٌّ، وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَ أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي؛ وَ أَنَّهُ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَ يَعْلَمُ مَا فِي الصُّدُورِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۳۵۹). «و گواهی می‌دهم که وعده پروردگاران حق است و لقای او حق است و قیامت برپا شدنی است و شکی در آن نیست و همانا خداوند زنده می‌کند و می‌میراند و آنکه را در قبر (خفته است) بر می‌انگیزاند و آنچه را در سینه‌هاست می‌داند.»

در زیارت حضرت صاحب الامر (عج) نیز با بیان اهل بیت (ع)، به معاد و مراحل آن معتقد می‌شویم و به آن اعتراف می‌کنیم: «وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَ أَنَّ نَاكِراً وَ نَكِيراً حَقٌّ. وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ، وَ أَنَّ الصَّرَاطَ (وَ الْمِرْصَادَ حَقٌّ)، وَ الْمِيزَانَ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ، وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ، وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۲۶۰). «و (گواهی می‌دهم) که مرگ حق است و فرشته نکیر و منکر حق است و گواهی می‌دهم روز قیامت روز نشر و برانگیختن مردگان حق است و صراط و مرصاد و میزان و حساب حق است و بهشت و آتش جهنم حق است و وعده (نعیم الهی) و وعید (قهر و عذابش در بهشت و دوزخ) همه حق است.»

عدل

عدل یکی از صفات خداوند است و به علت اهمیت آن، در مذهب شیعه جزء اصول مذهب به حساب می‌آید. عدل به عنوان یکی از اصول دین، به معنای اعتقاد داشتن به این اصل بوده که خداوند عادل و دادگر است و به کسی ستم نمی‌کند و کاری را بدون حکمت انجام نمی‌دهد و هر چیزی را در جای خود قرار داده و به هر کس، هر چه را استحقاق دارد می‌دهد.

با توجه به اینکه ذوات مقدس ائمه (ع)، مظاهر کامل خدای سبحان هستند و هر کمالی که خدا به صورت ذاتی و استقلال دارد آن‌ها به صورت عرضی و تبعی دارند؛ صفات الهی، از جمله عدل، در وجود مبارک اهل بیت (ع) متجلی است؛ از این رو در زیارتنامه‌ها، اهل بیت (ع) مظهر عدل و برپا کننده و ناشر آن معرفی می‌شوند و به ایشان این گونه سلام عرضه می‌شود: «السَّلَامُ عَلَى الْحَاكِمِ الْعَادِلِ... السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِ الْعَدْلِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۱۱۰) و ضمن درخواست درود و رحمت، ایشان حاکم و داوری کننده دین به وسیله عدالت معرفی شده‌اند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْإِمَامِ الْعَادِلِ الْأَمِينِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۳۳۲) و بر عزمشان، برای برپایی عدل در زمین، گواهی داده می‌شود: «وَ أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنْكَ وَفَيْتَ بِشَرَائِطِ الْوَصِيَّةِ... وَ عَزَّمْتَ عَلَى الْعَدْلِ فِي الْبَرِّيَّةِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۷۷). در فرازهایی از زیارت جامعه کبیره نیز، به این مسئله اشاره شده و در آن گواهی داده شده است بر اینکه ائمه (ع)، به عنوان احیا کننده دین خدا، در ایام الله که روزهای ظهور و بروز قداست خداست باز می‌گردند و عدالت الهی را در زمین بر پا می‌کنند: «حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ دِينَهُ بِكُمْ، وَ يَرُدُّكُمْ فِي آبَائِهِ، وَ يُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶، ۵۷). در این فراز از زیارت جامعه کبیره، به آستان مقدس اهل بیت (ع) عرض می‌کنیم: من خودم را آماده کرده‌ام به شما یاری رسانم، تا خدا دین خودش

را به سبب شما زنده کند، شما را در روزگاران خود بازگرداند و شما را برای اقامه عدلش پیروز سازد و فرمانروایان در زمین خود قرار دهد». در دعاها و درخواست‌های زیارتنامه‌ها نیز، انتظار برای برقراری عدالت اجتماعی به دست امام غائب و دعا برای محقق شدن آن و از بین رفتن ظلم و جور مطرح شده است: «اللَّهُمَّ... وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَ أَيْدُهُ بِالنَّصْرِ... وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۲۶۲).

فروع دین

آن دسته از وظایف و تکالیف عملی که پیامبر اسلام (ص)، برای سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها، از وحی بر گرفته و ابلاغ کرده است، فروع دین نام دارد. فروع دین اموری همچون نماز، روزه، حج، زکات، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری و نیز برخی دیگر را شامل می‌شود. از این میان، به برخی امور همچون امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری و جهاد که در سرنوشت جامعه اسلامی نقش تعیین کننده‌ای دارند، تأکید شده است. اهل بیت (ع) نیز در زیارتنامه‌های مأثور خود، بر عمل به این فرایض گواهی داده‌اند تا از این طریق، برای شعیان و پیروان خود، الگوی عملی دینداری را معرفی کنند و به آنان تعلیم دهند. برخی از فروع دین که در زیارتنامه‌ها به آن‌ها اشاره شده است عبارت است از:

جهاد

جهاد به عنوان یکی از فروع دین، در مفهوم اصطلاحی خود، به معنای مبارزه کردن در راه خدا و جنگ با کافران و دشمنان اسلام، به منظور برپایی و گسترش اسلام یا دفاع از آن، با جان و مال خود است؛ اما در مفهوم عام آن، هر گونه مبارزه با دشمن بیرونی و تلاش برای احیای دین خدا و جنگ با دشمن درونی که همان نفس انسان است، جهاد محسوب می‌شود. جهاد در راه خدا با

مال و جان و هستی خویش، مصادیق متعددی دارد و تنها در میدان نبرد محقق نمی‌شود؛ جهاد علاوه بر نبردهای دفاعی و گاه تهاجمی مبارزات علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز دربرمی‌گیرد. مبارزه با نفس و مقاومت در برابر خواهش‌های نفسانی نیز، بُعد دیگری از جهاد است که امیرالمؤمنین (ع) درباره آن می‌فرماید: «جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند تنها به روی اولیاء خاص خویش گشوده است و آن لباس تقوا و زره نفوذناپذیر و سپر اطمینان بخش الهی بر پیکر مجاهدان است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۷۴). اهل بیت (ع) به عنوان برگزیدگان الهی و الگوی تمام و کمال بندگی، همواره در عمل به دستورات دین پیشگام بوده و با اعمال و رفتار و گفتار خود، به تعلیم و تبیین آموزه‌های دین پرداخته‌اند. در اغلب زیارتنامه‌های معصومان (ع) بر مجاهدت بر حق اهل بیت (ع) در راه خدا گواهی داده شده است و عمل به آن و جهاد فی سبیل الله، به عنوان فریضه معرفی شده است: «أَشْهَدُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ (و) وَلِيَّ رَسُولِهِ لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَاتَّبَعْتَ مِنْهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَابِرًا نَاصِحًا مُجْتَهِدًا» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۲۱۶). در زیارت جامعه کبیره، جهاد ایشان را این گونه وصف می‌کنیم: «وَ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَ بَيَّنَّتُمْ فَرَائِضَهُ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۵) و در زیارت امیرالمؤمنین (ع) جهاد واقعی را در همراهی ایشان معنا می‌کنیم: «أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

نماز و زکات

نماز چهره دین و معرف آیین الهی بوده «لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهٌ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۸) و پناهگاه محکم در برابر وسوسه‌های شیطان «الصلوة حصن من سطوات الشيطان» (تمیمی، ۱۴۱۰: ۱۲۹) است؛ همچنین آخرین سفارش پیامبران و برترین اعمال نزد خداوند است

«أحب الأعمال إلى الله عزوجل الصلاة و هي آخر وصايا الأنبياء» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۴). قرآن کریم در آیات مختلفی، به برپایی نماز دستور داده و همگان را به برپایی آن سفارش کرده است؛ اما آنچه مسلم است اینکه هیچ کس به اندازه پیشوایان معصوم (ع)، به لطیف و ظریف نماز و اسرار آن آشنا نبوده است و نمی‌تواند نماز را آن گونه که حق آن است اقامه کند؛ از این رو ائمه اطهار (ع) تنها کسانی‌اند که با هیچ قید و شرطی و با اطمینان کامل، می‌توان درباره ایشان شهادت داد که شما به حق نماز را اقامه نمودید و حقیقت نماز هستید (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۷) «أَشْهَدُ عِنْدَ اللَّهِ - وَ كَفَى بِهِ شَهِيدًا وَسَائِلًا عَنِ الشَّهَادَةِ - أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶، ۱۸۱).

نماز و زکات هر یک جایگاه خود را در میان اعمال و فروع دین دارند؛ اما به طور معمول، در قرآن توصیه به عمل کردن این دو، با هم ذکر می‌شود؛ چنان‌که در بیش از ۲۵ آیه از قرآن کریم، اقامه نماز و ایتاء زکات با هم ذکر شده است: «وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ» (بقره، ۲۷۷). در روایات و کلام معصومان (ع) نیز، این همراهی وجود دارد؛ مانند روایتی از امام صادق (ع) که در آن حضرت، پرداختن زکات را سبب نقص نماز و کامل نشدن آن دانسته‌اند: «... لا صلاة لمن لا زكاة له...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۲). در زیارتنامه‌ها نیز شهادت به اقامه نماز و عمل به زکات، همراه هم بیان می‌شود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۴۲). «وَ أَشْهَدُ أَنَّ وَلِيَّنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۵۸).

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات مهم اجتماعی دین بوده و از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ چرا که با امر به معروف، تمام واجبات در جامعه عملی شده و با نهی از منکر، از همه مفسد جلوگیری می‌شود؛ از این

ولایت و برائت تأکید شده است و این خط سیر، همیشگی و پیوستگی بوده و این خطی است که در امتداد نسل‌ها و زمان‌ها، پیروان راستین ائمه (ع) و حق را از مدعیان آن جدا می‌کند. برای نمونه در سلام‌های زیارت ائمه (ع) آمده است: «السَّلَامُ عَلَيَّ الَّذِينَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۴۵).

و در زیارت وداع امیرالمؤمنین (ع) شهادت می‌دهیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ بِالْوَلَايَةِ لِمَنْ وَالَيْتَ، وَ وَالْتَ رُسُلَكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَشْهَدُكَ بِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ بَرَّتَ أَنْتَ مِنْهُ، وَ بَرَّتَ مِنْهُ رُسُلَكَ وَ أَنْبِيَائَكَ وَ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبُونَ، وَ السَّفَرَةُ الْأَبْرَارُ الْمُطَهَّرُونَ، وَ وَفَّقَنِي لِكُلِّ مَقَامٍ مَحْمُودٍ، وَ أَقْبَلْنِي مِنْ هَذَا الْحَرَمِ بِخَيْرٍ مَوْجُودٍ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْكِرَامِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۳۸۳).

ارزش‌های اخلاقی

اخلاق را می‌توان مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌هایی دانست که رفتار انسان را تنظیم می‌کند و تعالیم وحی آن‌ها را تعیین فرموده است. در معارف و تعالیم دینی، تزکیه و تهذیب نفس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و دین اسلام، دستورهای اخلاقی بسیاری دارد. اهمیت و ارزش اخلاق تا به آنجاست که تکمیل اخلاق و تزکیه، از اهداف بعثت پیامبر گرامی اسلام شمرده شده است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ..» (جمعه، ۲).^{۱۰} خود ایشان نیز، تنها هدف بعثت را تعالی اخلاق معرفی کرده و فرموده‌اند: «من برای کامل کردن ارزش‌های اخلاقی مبعوث شدم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۰). براساس فرمایشی از امیرالمؤمنین (ع)^{۱۱}، ملبس شدن به فضائل اخلاقی نه تنها سبب نجات در قیامت است؛ بلکه زندگی در دنیا را نیز سامان می‌بخشد. زندگی اهل بیت (ع)، به عنوان پیشوایان دینی، خود الگوی زنده و اسوه حسنه‌ای در راه کسب فضائل اخلاقی بوده است و این بزرگواران

رو در قرآن و روایات معصومان (ع)، بر انجام این فریضه اجتماعی تأکید فراوان شده است.

در اغلب زیارتنامه‌های معصومان (ع)، پس از گواهی به اقامه نماز و پرداخت زکات، بر عمل به این فریضه مهم شهادت داده شده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرُّسَالَهَ، وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۹۵) و اهل بیت (ع) عاملان به این فریضه معرفی شده‌اند: «فَأَنْتُمْ الْعِبَادُ الْمُكْرَمُونَ... وَ السَّادَةُ الْأَتْقِيَاءُ، الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۳۸۱). در زیارت جامعه کبیره، گواهی می‌دهیم بر اینکه اهل بیت (ع) امر کننده به معروف و ناهی کننده از منکر و تبیین کننده فرایض دین و اقامه کننده حدود خداوند هستند و شرایع و احکام دین را برپا می‌دارند: «وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَ بَيَّنَّتُمْ فَرَائِضَهُ، وَ أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَ نَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ، وَ سَنَّتُمْ سُنَّتَهُ» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۹۱).

تولی و تبری

تولی و تبری یعنی داشتن حب به اهل بیت (ع) و بغض به دشمنان ایشان، در زیارتنامه‌ها، به این اصل از فروع دین، بیش از همه تأکید شده است.

امام باقر (ع) در حدیث مفصلی به جابر بن عبدالله، شرط رسیدن به ولایت ایشان را عمل و پرهیزکاری معرفی می‌کنند و در معرفی دوست و دشمن می‌فرمایند: «آن که مطیع خداست «ولی» ماست و آن که نافرمانی خدا کند، «دشمن» ماست، به «ولایت» ما، جز با عمل و پرهیزکاری، نمی‌توان رسید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۵). امام رضا (ع) نیز در اهمیت این موضوع فرموده‌اند: «تمامیت دین، به «ولایت» ما و «برائت» از دشمنان ما بسته است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۸). در زیارتنامه اولین امام تا آخرین امام، چه در سلام و چه در وداع آن، همواره به ابراز این

الأذی فیک» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۴۴).

تقوا

تقوا کلید رستگاری و «مستحکم‌ترین دژ و پناهگاه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۵) و جامع‌ترین وصیت خداوند است و پروردگار جهان همه خلائق را از ابتدای جهان تا انتها بدان سفارش می‌کند و می‌فرماید: «وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ» «و ما به کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [نیز] به شما سفارش کردیم که از خدا پروا کنید» (نساء، ۱۳۱). اهل بیت (ع) در مجلس شدن به لباس تقوا، پیشرو بوده‌اند و به سبب آثار گرانش فردی و اجتماعی آن، همواره به رعایت تقوا توصیه و سفارش کرده‌اند. در زیارتنامه‌ها، ائمه (ع) اهل تقوا «أَهْلُ التَّقْوَى» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۳۵)، امام و پیشوای متقین «قَائِدِ أَهْلِ التَّقْوَى» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۱۴۸)، روح و زینت تقوا «كَلِمَةُ التَّقْوَى» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۱۵۳) و «رِدَاءُ التَّقْوَى» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۳۸۷) و راه و مسیر رسیدن به تقوا «سَبِيلِ التَّقْوَى» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۱۸۲) معرفی شده‌اند؛ همچنین بر عمل ایشان به تقوا و وصیت آن‌ها به این مهم، شهادت داده شده است: «وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةَ الرَّاشِدُونَ، الْمَهْدِيِّونَ، الْمَعْصُومُونَ، الْمُكْرَمُونَ، الْمُقَرَّبُونَ، الْمُتَّقُونَ، الصَّادِقُونَ...» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۴) «كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَ وَصِيَّتُكُمْ تَقْوَى، وَ فِعْلُكُمْ الْخَيْرُ...» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۲۰۴). علاوه بر این نمونه‌ها، در تک تک فرازهای زیارتنامه‌ها، فضایل ارزشمند بسیار دیگری ذکر شده و اهل بیت (ع) به عنوان منشأ همه این خیرها و نیکی‌ها معرفی شده‌اند: «فَأْتَمَّتْ الْعِبَادُ الْمُكْرَمُونَ، وَ الْخُلَفَاءُ الرَّاشِدُونَ، وَ الْأَوْصِيَاءُ الْمُصْطَفُونَ، وَ الْأَئِمَّةُ الْمَعْصُومُونَ، وَ الْأَوْلِيَاءُ الْمَرْضِيُّونَ، وَ الْعُلَمَاءُ الصَّادِقُونَ، وَ الْحُكَمَاءُ الرَّاسِخُونَ الْمُبَيَّنُونَ، وَ الْبَشَرَاءُ النَّدْرَاءُ، الشُّرَفَاءُ الْفَضَلَاءُ، وَ السَّادَةُ الْأَتْقِيَاءُ...» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۵۷) تا زائر ضمن آشنایی با سیره اهل بیت (ع)، رفتار و منش ایشان

همواره، به تعلیم این ارزش‌ها می‌پرداختند. زیارتنامه‌ها یکی از منابعی هستند که در آن‌ها اهل بیت خود، به عنوان الگوهای اخلاقی معرفی شده و در دعاها و فرازهای مختلف آن، زائر خویش را توصیه به کسب ارزش‌های اخلاقی کرده‌اند. اموری همچون صبر و استقامت، وفای به عهد، احسان، بخشش و کرم، تقوا، رعایت عدالت و... از کلی‌ترین فضائل اخلاقی هستند که در زیارتنامه‌ها به آن‌ها توصیه شده است.

صبر

صبر مادر همه کمالات و یکی از برترین ارزش‌های اخلاقی بوده و ضرورتی است که تعالی و تکامل انسان، چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی، جز در سایه آن امکان‌پذیر نیست. در قرآن، صبر عبارت است از اینکه انسان آنچه برایش ناخوشایند است، برای رسیدن به خشنودی خداوند، بر خویشتن هموار گرداند. این معنا با صراحت تمام، از آیه ۲۲ سوره رعد برمی‌آید که خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ؛ کسانی که به خاطر جلب رضای حق در برابر همه مشکلات صبر و استقامت بخرج می‌دهند». نظام آفرینش بر این اساس است که اهل ایمان بیشتر، در معرض آزارها و مصیبت‌ها و ناخوشی‌ها قرار می‌گیرند و همواره، دشمنانی دارند که در پی آزارشان بر می‌آیند و به توطئه علیه آنان می‌پردازند (قرضایی، ۱۳۷۸: ۳۴)؛ از این رو، اهل بیت (ع) نیز در طول حیات خویش، در معرض شدیدترین دشمنی‌ها و سختی‌ها و ناملایمت‌ها قرار گرفته و صبوری نیکو و عظیم در پیش گرفته‌اند.

در فرازهایی از زیارتنامه‌ها بر این فضیلت اهل بیت (ع) گواهی داده شده: «وَأَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَقَّيْتَ بِشَرَائِطِ الْوَصِيَّةِ... وَ اخْتَدَيْتَ مِثَالَ النَّبُوَّةِ، فِي الصَّبْرِ وَالْاجْتِهَادِ...» (پیام امام هادی، ۱۳۸۶: ۷۷) و صابر بودن به هنگام بلاها و سختی‌ها، از ویژگی‌های ایشان شمرده شده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ... الصَّابِرِ عَلَى

دین، یعنی مبانی اعتقادی اسلام همچون توحید و صفات الهی، نبوت و پیامبر شناسی، امامت و رهبری و همچنین فروع دین، یعنی اعلام مواضع اعتقادی، تولی و تبری، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و... و نیز تعالیم اخلاقی، یعنی صبر، تقوا، عدالت، وفای به عهد و... تشکیل شده و منطبق بر آیات قرآن در این زمینه است.

پی نوشت

۱. طبق فرموده امام صادق (ع) «هَيْهَاتَ كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَّبِعْ مِنْ عَدُوِّنَا كَسَى كَه ادَّعَى مَحَبَّتَ دُوسْتَى مَا رَا دَارِدُ وَ از دشمنان ما برائت نمی جوید، در اظهار دوستی ما صادق نیست بلکه دروغ می گوید» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۸/۲۷).
۲. «فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَ جَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجْدِلُنَا فِی قَوْمِ لُوطٍ» (هود، ۷۴).
۳. «وَ نَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَ إِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْحَكَمِينَ» (هود، ۴۵).
۴. «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (نساء، ۶۴).
۵. «وَ كَمْ مِنْ مَلِكٍ فِی السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَرْضَى» (نجم، ۲۶).
۶. «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» (مریم، ۸۷).
۷. «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ* إِلَّا مَنْ رَجِمَ اللَّهُ...* إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامِ آمِينَ» (دخان، ۴۱ و ۴۲ و ۵۱).
۸. «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ* فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۱۰۰ و ۱۰۲).
۹. «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَ مُتَوَكِّمًا» (محمد، ۱۹).
۱۰. «لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ نَبِيَّهُ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» قلت يا رسول الله عرفنا الله و رسوله فمن أولو الأمر الذين قرن الله طاعتهم بطاعتك؟ فقال عليه السلام هم خلفائي يا جابر و أئمة المسلمين من بعدى، أو لهم على بن ابى طالب ثم الحسن، ثم

را سرلوحه زندگى خود قرار دهد و سعى در كسب فضائل اخلاقى ايشان نمايد؛ از اين رو، در دعاهاى زيارتنامه ها، كسب اين ارزش ها و تخلق به اخلاق ايشان را از خداوند مسألت مى كند: «اللَّهُمَّ فَتَبِّئْنِي عَلَى الْخُلَاصِ وَ الْوَلَاءِ، وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِ أَهْلِ الْكِسَاءِ، وَ أَنْفَعْنِي بِمَوَدَّتِهِمْ، وَ احْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ، وَ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ وَلى ذَلِكَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (پيام امام هادى، ۱۳۸۶: ۳۵۱) و خواهان ملحق شدن به صالحان و همراهى با صديقان است كه نمونه بارز ايشان، وجود مبارك اهل بيت عصمت و طهارت (ع) است: «اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ، وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ، وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، وَ أَنْصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ، وَ اكْفِنِي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ، وَ اصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَ اقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ، وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (پيام امام هادى، ۱۳۸۶: ۴۱۹).

نتيجه

. از مجموع آيات و رواياتى كه به موضوع زيارت اختصاص داده شده است مى توان به اهميت و ضرورت زيارت و نقش آن، در تعامل با اهل بيت (ع) و بهره گيرى از معارف ايشان پى برد.

. اتصال به ذخاير معرفت الهى و تجديد و تحكيم پيوند با ايشان، علاوه بر آنكه ما را به اتمام وفای عهد با آنها نزديك مى سازد، دريچه ای جديد برای فهم آموزه های قرآنی، به روى ما خواهد گشود.

. زيارتنامه های معصومان (ع) با وجود آنكه از تنوع و فراوانی برخوردار هستند، از خط سير محتوایی يكسانی پيروي مى كنند و در حركتی مجموعه ای، درصدد تحقق اهداف كلي زيارت، يعنى قرب الى الله و تعليم و تربيت انسان ها هستند.

. ساختار كلي زيارت مآثور ائمه (ع) از سه بخش اصول

الحسین، ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التوراة بالباقر و سندرکه یا جابر فاذا لقیته فاقرأه منی السلام، ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر، ثم علی بن موسی، ثم محمد بن علی، ثم علی بن محمد، ثم الحسن بن علی، ثم سمی و کنی حجة الله فی أرضه و بقیته فی عبادہ ابن الحسن بن علی، ذاک الذی یفتح الله تعالی ذکره علی یدیه مشارق الأرض و مغاربها، ذاک الذی یغیب عن شیعته و أولیائه غیبه لا یشب فیها علی القول بامامته الا من امتحن الله قلبه للایمان، قال جابر فقلت له یا رسول الله فهل یتفجع الشیعۃ به فی غیبه فقال علیه السلام ای و الذی بعثنی بالنبوۃ انهم یتفجعون به و یستضیئون بنور ولایتہ فی غیبه کانتفاع الناس بالشمس و ان تجلاها السحاب، یا جابر هذا من مکنون سرالله و مخزون علمه فاکتمه الا عن اهله» (تفسیر نورالثقلین، ج ۱: ۴۹۹).

۱۱. طبق نظر مفسرانی چون علامه، مراد از ترکیه پیامبر آن است که مردم را به نموی صالح رشد دهد، اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادتشان کند؛ در نتیجه در انسانیت خود به کمال برسند.

۱۲. بر اساس روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرموده‌اند: «لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَخْشَى نَارًا وَلَا نَوَابَأَ وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَبْنَعِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَي سَبِيلِ النَّجَاحِ؛ اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ، و انتظار ثواب و عقابی نمی‌داشتیم، شایسته بود به سراغ فضائل اخلاقی برویم؛ چرا که آن‌ها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۹۳).

منابع

- . قرآن کریم. (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- . ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶). کامل الزیارات، تصحیح عبدالحسین امینی، نجف اشرف: دارالمرتضویه.
- . ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴). لسان العرب، ج ۱۲، ج ۳، بیروت: دار صادر.
- . بحرانی، هاشم. (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، تهران: بنیاد بعثت.
- . پیام امام هادی. (۱۳۸۶). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، قم:

پیام امام هادی.

. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه مهدی رجائی، ج ۲، قم: دارالکتب الاسلامی.

. جوادی، مرتضی. (۱۳۹۱). فلسفه زیارت و آیین آن، ج ۷، قم: اسراء.

. جوادی آملی. (۱۳۹۱). ادب فنای مقربان، ج ۷، قم: اسراء.

. ----- (۱۳۸۱). معاد در قرآن تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: اسراء.

. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.

. طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمدجواد بلاغی، ج ۸، ج ۳، تهران: ناصرخسرو.

. عروسی حویزی، عبدعلی. (۱۴۱۵). تفسیر نورالثقلین، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، ج ۴، ج ۴، قم: اسماعیلیان.

. فرات کوفی، ابوالقاسم. (۱۴۱۰). تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمدکاظم محمودی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور، ج ۶، ج ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

. محدثی، جواد. (۱۳۸۶). فرهنگ زیارت، تهران: مشعر.

. مکارم، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب السلامیه

. طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

. ----- (۱۳۷۴). المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱ و ۱۱، ج ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

Survey of the Structure of Real Pilgrimages of Ahl Al- Beyt (Peace be Upon Them)

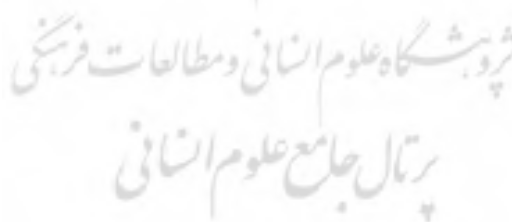
T.Hasani Bafarani*

F.Taqavi**

Abstract

Connection and appealing to infallible Imams is a necessity which leads to prosperity in this world and hereafter. Certainly, pilgrimage is one of the ways to obtain it. Pilgrimage makes one confirm the presence of Imams in his Islamic community and all aspects of life and also remind this presence. There are texts given by some Imams to read in visiting the holy Imams' sepulcher. These texts teach one not only how to talk and express his devotion and affection to Imams, but also gives some deep moral knowledge of them. Considering the importance of the texts, the great significance to study and analyze them in terms of content and structure is to have better and deeper utilization. These texts are educational and have a general content with the same structure. Primary principles of Islam such as monotheism, prophecy, imamate, and the secondary ones, jihad, enjoining good and prevention of vice, and lots of other moral values including patience, virtue and fidelity are all noted in the texts of pilgrimages.

Keywords: Pilgrimage, Content, Texts of Pilgrimages, Imams (PBUT), Real Pilgrimage



* Assistant professor, University of Qom, Iran.

** MA in Commentary and Quranic Studies, University of Qom, Iran.